



(به نام حق)

# آسیب‌شناسی فرهنگی و اجتماعی

مدرس: ناهید خوشنویس

دانشگاه علمی کاربردی واحد 13 تهران

سال 1396

## « آسیب شناسی اجتماعی (social-pathology) »

مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری های عضوی و آسیب های اجتماعی (کجرویها) قائل می شوند.

واژه آسیب شناسی از دیدگاه پزشکی به فرایند ریشه یابی بیماری ها گفته می شود

تعریف کلمه آسیب: ریشه ی یونانی ( رنج محنت احساسات و غضب Path )

دانش شناخت **logy** « مرض شناسی ( علم تشخیص امراض ) pathology »

آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیر رسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی گیرد و در نتیجه با منبع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرومی گردد.

به همین دلیل ، کجروان سعی دارند کجروی ها خود را از دید ناظران قانون ، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند ؛ زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی ، تکفیر اخلاقی ، طرد اجتماعی مواجه می شوند.

### آکسفورد

آسیب شناسی مطالعه علمی آسیب ها ، بیماری ها و اختلالات است.

آسیب شناسی موقعیت و یا حالتی زیست شناختی است که در آن یک ارگانیزم از عملکرد صحیح و مناسب منع شده است.

### آسیب شناسی اجتماعی

هر گاه در یک نظام اجتماعی رفتاری بطور مشخص با هنجارها و ارزش های اجتماعی تعارض پیدا کند که موجب کاهش یا از دست دادن کارایی و عملکرد فرد ، خانواده یا گروه های اجتماعی شود ، این پدیده آسیب اجتماعی نامیده می شود.

### اجزای تعریف آسیب شناسی

**هنجار norm** : شیوه های رفتار ، عمل یا اندیشه که در جامعه ای پذیرفته شده و انطباق با آن در فرآیند اجتماعی شدن فرد تحقق دارد، همه ی افراد ملزم به رعایت آن هستند و این رعایت و الزام به آن ، از طرق مختلف بر افراد تحمیل می شود

**(1) هنجار رسمی** : توسط مراجع قانونی و قانون گذار به سبب ایجاد نظم و انضباط در جامعه وضع می شود که

تخطی از آن ها موجب جریمه و تنبیه می شود ( تخلفات راهنمایی و رانندگی )

**(2) هنجار غیر رسمی** : آن دسته از انحرافات که توسط یک گروه یا اعضای خانواده به منظور برقراری نظم داخلی در

صورت نقض آن توسط فرد قابل اغماض می باشد ، اگرچه می تواند جریمه یا تنبیه نیز داشته باشد(بی احترامی

به بزرگ ترها)

**ارزش value:** ارزش مجموعه ای آرمانی هستند که درباره آنچه که درست یا نادرست، شایسته یا ناشایست، مطلوب یا نامطلوب، خوب یا بد باشد در واقع هر چیزی که برای فرد یا جامعه مورد نیاز محترم و مقدس و مطلوب تلقی می شود. ارزش یا فردی است یا گروهی مثل (نجابت، درستکاری، شرافت، احترام به حقوق دیگران)

**گروه های اجتماعی social group:** عده ای از افراد انسانی که برای نیل به هدف خاصی، اقدامات متقابلی انجام می دهند با نفوذ در یکدیگر و وابستگی بهم، اتحاد و یگانگی می یابند با هماهنگی و تجانس در رفتار اعضای گروه، رفتار مشترک گروهی و رفتار جمعی حاصل می شود. موضوعات قابل بررسی: بیکاری، فقر، رشوه خواری، ولگردی، اعتیاد، خشونت، بزهکاری، وضعیت طلاق در ایران، مهاجرت و حاشیه نشینی، خودکشی و خودسوزی، تبعات اجتماعی جنگ بر جامعه ایران.

**آسیب های اجتماعی از چند جنبه قابل بررسی هستند:**

- 1- از زوایه انسان، که هر انسان با هر دین و آئین و اعتقاد و فکر، و مذهب و گرایش و مسلک و ارتباط با جناح یا حزب خاصی یا با ترحم یا با هدایت و یا با همراهی اعتقاد دارند که به گروههای آسیب پذیر یاری نمایند مثلاً هر انسانی دوست دارد به پیر مرد یا پیرزنی کمک کند و هر انسانی دوست دارد به نابینایی کمک کند و...
- 2- از زاویه اجتماعی، اگر به این آسیب های اجتماعی بموقع رسیدگی نشود افزایش جرم و جنایت را در پی دارد که مخرب انضباط اجتماعی است.
- 3- از جنبه سیاسی، که اگر توجه نشود کشور را به دامن بیگانگان سوق می دهد و بجای فرهنگ خودی فرهنگ بیگانه در کشور پیاده می شود و به اعتقادات دینی و مذهبی جامعه لطمه وارد می نماید، وجود آسیب های اجتماعی، بزرگنمایی و تبلیغات دشمنان کشور را در پی دارد ضمن آنکه وجود آسیب های اجتماعی در کشور اسلامی عامل تبلیغ منفی بر ضد اسلام است لذا لازم است که آسیب های اجتماعی ریشه یابی شود و از کلی گویی در جامعه پرهیز گردد و با ارائه راهکارهای مدرن به جزئیات آسیب های اجتماعی توجه شود.

**سوالاتی که در حوزه آسیب شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرند:**

- ✓ چه چیزی به عنوان آسیب شناخته می شود؟
- ✓ حدود آن چقدر است؟
- ✓ عوامل زمینه ساز و علل آشکار کننده آن کدامها هستند؟
- ✓ در کدام طبقات گسترش بیشتری دارند؟
- ✓ در کدام سنین گسترش بیشتری دارند؟
- ✓ توانایی جامعه برای کنترل و نظارت بر آنها چقدر است؟
- ✓ از چه راههایی می توان به کاهش آنها مبادرت کرد؟

## ارتباط آسیب شناسی اجتماعی با سایر علوم:

در وهله اول ارتباط کامل و نزدیک این حوزه با رشته علوم اجتماعی و جامعه شناسی کاملاً واضح و روشن است. از سوی دیگر آسیب شناسی اجتماعی ارتباط بسیار نزدیکی با روانشناسی دارد در این راستا یافته‌های روانشناسی اجتماعی کمک‌های شایان توجهی در نظریات مربوط به آسیب شناسی اجتماعی داشته است.

از سوی دیگر آسیب شناسی اجتماعی با علوم پزشکی، حقوق و ... ارتباط دارد. به عنوان مثال در بررسی پدیده‌ای با نام ایدز به عنوان یک معضل اجتماعی، نظریات مربوط به آسیب شناسی اجتماعی در کنار اطلاعات پزشکی و اطلاعات روانشناختی قرار می‌گیرد. همچنین مددکاری اجتماعی از جمله شاخه‌هایی است که با آسیب شناسی اجتماعی در ارتباط است.

## اهمیت آسیب شناسی اجتماعی:

در واقع، آسیب شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه یابی بی نظمی‌ها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و...، همراه با علل و شیوه‌های پیش‌گیری و درمان آن‌ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی است.

اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی تلقی می‌شود.

سازمان یا هر جامعه‌ای از اعضای خود انتظار دارد که از ارزش‌ها و هنجارهای خود تبعیت کنند. اما طبیعی است که همواره افرادی در جامعه یافت می‌شوند که از پاره‌ای از این هنجارها و ارزش‌ها تبعیت نمی‌کنند.

افرادی که همساز و هماهنگ با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و یا سازمانی باشند، «همنوا» و یا «سازگار» و اشخاصی که برخلاف هنجارهای اجتماعی رفتار کنند و بدان‌ها پای بند نباشند، افرادی «ناهمنوا» و «ناسازگار» می‌باشند. در واقع، کسانی که رفتار انحرافی و ناهنجاری آنان دائمی باشد و زودگذر و گذرا نباشد، کجرو یا منحرف نامیده می‌شوند. این گونه رفتارها را انحراف اجتماعی و یا کجروی اجتماعی گویند.

حال سؤال این است که چگونه تشخیص دهیم رفتاری از حالت عادی و - به اصطلاح - نرمال خارج شده و به حالتی غیرنرمال و نابهنجار تبدیل شده است؟

معیارها و ملاک‌هایی که می‌توان به واسطه آنها تشخیص داد که رفتار در یک سازمان، نهاد و یا جامعه، عادی و مقبول و نرمال است یا غیر عادی، غیرنرمال و نابهنجار. این معیارها عبارتند از:

**1- ملاک آماری:** از جمله ملاک‌های تشخیص رفتار نابهنجار، روش توزیع فراوانی خصوصیات متوسط است که انحراف از آن، غیر عادی بودن را نشان می‌دهد. کسانی که بیرون از حد وسط قرار دارند، افراد نابهنجار تلقی می‌شوند و رفتار آنان رفتاری غیرنرمال و انحرافی تلقی می‌شود. برای مثال، از نظر آماری وقتی گفته می‌شود که لباسی مُد شده، یعنی بیشتر افراد جامعه آن را می‌پوشند. بنابراین، صفتی که بیشتر افراد جامعه نپذیرند، خارج از هنجار تلقی شده و غیر طبیعی و نابهنجار تلقی می‌شود.

**2- ملاک اجتماعی :** انسان موجودی اجتماعی است که باید در قالب الگوهای فرهنگی و اجتماعی زندگی کند. اینکه تا چه حد رفتار فرد با هنجارها، سنت ها و انتظارات جامعه و یا نهاد و سازمان خاصی مغایرت دارد و جامعه چگونه درباره آن قضاوت می کند، معیار دیگری برای تشخیص رفتار نابهنجار و بهنجار است. یعنی رفتاری که مورد قبول افراد نباشد و مثلاً با پوشیدن لباس خاصی از سوی افراد جامعه با عکس العمل آنان مواجه شویم، این گونه رفتارها نابهنجار تلقی می شود. البته، این معیار هم در همه جوامع امری نسبی است.

**3- ملاک دینی :** علاوه بر این، در یک جامعه دینی و اسلامی، معیار و ملاک دیگری برای تشخیص رفتارهای بهنجار از نابهنجار وجود دارد؛ چرا که معیارهای مزبور، معیارهایی است که توسط افراد یک جامعه با قطع نظر از نوع اعتقادات، مورد پذیرش واقع می شود؛ یعنی افراد جامعه در خصوص ارزش یا هنجاری بودن موضوع خاص توافق نموده، در عمل به آن پای بندند و متخلفان را بسته به نوع و اهمیت هنجار، تنبیه می کنند. اما در یک جامعه دینی و اسلامی معیارهای فوق برای ارزش های اجتماعی است و در آنجا کارایی دارد. معیار تشخیص ارزش ها و هنجارهای دینی به وسیله آموزه های دینی تعیین می شود. ممکن است رفتاری خاص در همان اجتماع هنجار تلقی نشود و مرتکبان را کسی توبیخ و یا سرزنش نکند ولی در شرایطی خاص ارتکاب چنین عملی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقی شود. برای مثال، خوردن و آشامیدن در روزهای عادی و حتی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقی نمی شود. ولی اگر همین عمل در جامعه مذکور و در ماه مبارک رمضان و در ملاء عام صورت گیرد، تخطی از هنجارهای دینی تلقی شده، مجازات سختی هم از نظر دینی و شرعی و هم از نظر اجتماعی در انتظار مرتکب چنین عمل ناپسندی می باشد.

در پیدایش انحرافات اجتماعی و رفتارهای نابهنجار و آسیب زا عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه ساز می تواند مؤثر باشد. حال سؤال این است که آسیب ها و انحرافات اجتماعی چگونه پدید می آیند .

#### **عوامل پیدایش آسیب ها و انحرافات اجتماعی کدامند؟**

بررسی و ریشه یابی انحرافات اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. انحرافات و مسائل اجتماعی امنیت اجتماعی را سلب و مانعی برای رشد و توسعه جامعه محسوب می شود. به طور کلی، هر رفتاری که از آدمی سر می زند، متأثر از مجموعه ای از عوامل است که به طور معمول در طول زندگی سر راه وی قرار دارد و وی را به انجام عملی خاص وادار می کند.

**عوامل روانی** مانند : عاطفه ، شناخت ، تجربه ، تفکر ، حساسیت ، نفرت ، ترس و وحشت ، اضطراب ، کم هوشی ، خیال پردازی ، قدرت طلبی ، کم رویی ، پرخاشگری ، حسادت ، بیماری های روانی و...

**عوامل زیستی** مانند : تاثیرات ژنتیک ، جنس، سن، وضعیت ظاهری و قیافه، ضعف و قدرت، بیماری، عامل ژنتیک و...

**عوامل محیطی فرهنگی** مانند : اوضاع فرهنگی ، خرده فرهنگ ها ، قومی نژادی ، اوضاع و شرایط اقلیمی ، شهر و روستا ، کوچه و خیابان ، گرما و سرما و...

**عوامل اجتماعی** مانند : خانواده ، اقتصاد ، رسانه ها ، مهاجرت ، طلاق ، فقر ، فرهنگ ، بی کاری، شغل ، جمعیت و...

علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی ، به ویژه در میان نوجوانان و جوانان را می توان به دو دسته عمده تقسیم نمود:

**1. عوامل معطوف به شخصیت و عوامل فردی :** این دسته از عوامل معطوف به عدم تعادل روانی، شخصیتی و اختلال در سلوک و رفتار است که برخی از آن ها عبارتند از : خودمحوری، پرخاشگری ، هنجارشکنی ، و عدم احساس مسئولیت . این گونه افراد به پیامد عمل خود نمی اندیشند ، در کارهای خود بی پروا و بی ملاحظه هستند و در پند گرفتن از تجربیات، بسیار ضعیف بوده و در قضاوت های خود یک سوپه می باشند.

این نوع شخصیت ها عمدتاً از محیط اجتماع، خانه و مدرسه فرار کرده ، پای بند قواعد ، مقررات و هنجارهای اجتماعی نیستند

و به دنبال هر چیزی می روند که جلب توجه کند. حتی در پوشش و سبک و شکل ظاهری خویش ، به ویژه در شیوه لباس پوشیدن ، آرایش مو و صورت به گونه ای که خلاف قاعده و خلاف سبک مرسوم سایر افراد اجتماع باشد ، عمل می کنند تا جلب توجه نمایند. پیوسته به تمجید و توجه دیگران نیازمندند و در روابط خود با مردم به نیازها و احساسات آنان توجه نمی کنند.

این افراد اغلب با رؤیاهایی در مورد موفقیت نامحدود و درخشان، قدرت، زیبایی و روابط عاشقانه آرمانی سرگرم اند. اغلب این افراد والدینی داشته اند که از نظر عاطفی نسبت به آنان بی توجه اند یا سرد و طردکننده بوده و یا بیش از حد به آنان محبت کرده و ارج می نهند. آنان به علت سرکوب خواسته ها و فقدان ارضای تمایلات درونی، از کانون خانواده بیزار شده و به رفتارهای نابهنجار نظیر فرار از خانه، ترک تحصیل، سرقت و اعتیاد گرایش پیدا می کنند.

گروهی نیز افرادی برون گرا و به دنبال لذت جویی آنی هستند ، دم را غنیمت می شمارند. دوست دارد در انواع میهمانی ها و جشن ها شرکت کنند ، تشنه هیجان و ماجراجویی اند، به همین دلیل برای لذت جویی دست به اعمال خلاف و بزهکارانه می زنند.

از مشکلات روحی - روانی که منجر به رفتارهای ضداجتماعی می شود ، می توان به ضعف عزت نفس ، احساس کهنتری ، فقدان اعتماد به نفس ، احساس عدم جذابیت ، افسردگی شدید ، شیدایی و اختلال خلقی اشاره نمود. چنین افرادی معمولاً مستعد انجام رفتارهای نسنجیده و انحرافی هستند.

**2-عوامل اجتماعی :** در بررسی آسیب ها و انحرافات اجتماعی ، به عنوان یک پدیده اجتماعی ، به علل اجتماعی انحرافات می پردازیم. به هر حال، عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می گردد:

**عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی :** مطالعات و تحقیقات نشان می دهد تا زمانی که اعضای جامعه پای بند به اعتقادات مذهبی خود باشند، خود و فرزندانشان به فساد و بزهکاری روی نمی آورند.

در پژوهشی که توسط مرکز ملی تحقیقات اجتماعی کشور مصر در سال 1959 صورت گرفته است، 72 درصد نوجوانان بزهکار، که به دلیل سرقت و دزدی توقیف و یا زندانی شده بودند، نماز نمی گزاردند و 53 درصد آنان در ماه رمضان روزه نمی گرفتند.

به هر حال، این اندیشه که کاهش ایمان مذهبی یکی از علل عمده افزایش نرخ جرم در جوامع پیشرفته و غربی است، نظری عمومی است. تحقیقات صورت گرفته در کشور نیز مؤید همین نظریه است. بنابراین، افزایش انحرافات اجتماعی می تواند ناشی از عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی باشد

**آشفتگی کانون خانواده:** از دیگر مؤلفه های مهم در سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت و سوی بزهکاری و انحرافات اجتماعی، گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده است هر چند در بسیاری از خانواده ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست.

در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانواده صورت می گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می کند. در برخی از خانواده ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و... جدایی، مرگ والدین و... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این گونه خانواده ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت کننده ای در جریان زندگی نداشته، در پاره ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای موج اجتماع، گرفتار ناملايمات می شوند .

### نظریه «کنترل» دورکیم

بر اساس نظریه «کنترل» دورکیم که معتقد است ناهمنوایی و هنجارشکنی و کجروی افراد ریشه در عدم کنترل صحیح و کارای آنان دارد، به طوری که هرچه میزان کنترل اجتماعی بیشتر باشد و نظارت های گوناگون از راه های رسمی و غیررسمی، بیرونی و درونی، مستقیم و غیرمستقیم توسط والدین و جامعه وجود داشته باشند و حساسیت مردم و مسئولان افزایش یابد، میزان همنوایی مردم بیشتر خواهد بود، نیز بیانگر همین مسئله است که آشفتگی کانون خانواده یکی از عوامل مهم سوق یافتن فرزندان به سوی انحرافات اجتماعی است.

**طرد اجتماعی:** چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد بزهکار، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد.

در مجموع، اگر این برخوردها قهرآمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می یابد. این نوع برخورد، همواره به عنوان هزینه ارتکاب هر جرمی مدنظر است. علاوه بر این، افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی پایینی هستند و یا از نقص عضو، بیماری جسمی، روحی، و مشاغل پایین خود یا والدین شان رنج می برند، نیز از سوی افراد جامعه مورد بی مهری قرار گرفته و ناخواسته طرد می شوند. این گونه افراد برای جبران این نوع کمبودها، و شاید هم برای رهایی از این گونه بی مهری ها و معضلات، دست به ارتکاب جرایم و انواع انحرافات اجتماعی می زنند.

**نوع شغل :** از دیگر متغیرهایی ارتباط نوع شغل افراد با انحراف و بزهکاری است.

همواره رابطه ای بین وضع فعالیت و شغل فرد با نوع رفتارهای وی وجود دارد. گرچه بین بی کاری و سابقه جرم و زندانی و دفعات ارتکاب جرم ، رابطه معناداری مشاهده می شود ، ولی این امر بدین معنا نیست که لزوماً بیکاری علت تکرار جرم باشد؛ زیرا ممکن است این رابطه به صورت معکوس باشد یعنی کسانی که بیشتر مرتکب جرم می شوند، بیشتر شغل خود را از دست داده و بیکار می شوند.

از جمله نکات مهم در نوع شغل ، حساس بودن و اهمیت شغل است. هر چه شغل فرد مهم تر و از حساسیت بیشتری برخوردار باشد، هزینه ارتکاب جرم نیز افزایش می یابد. این مهم در خصوص مشاغل دولتی حایز اهمیت است. در حالی که، بیشتر مشاغل مستقل چنین حساسیتی ندارند و مجازات زندان موجب از دست دادن شغل مذکور نمی شود. بر اساس نتایج یک تحقیق، با افزایش مدت زندان و حبس، دفعات از دست دادن شغل افراد نیز افزایش می یابد. علاوه بر این ، مشاغل دارای اعتبار و منزلت اجتماعی پایین و کم درآمد نیز موجب می شود که فرد صاحب چنین شغلی برای جبران هزینه های زندگی و افزایش اعتبار و یا منزلت خویش به شغل های دوم و سوم روی آورده، و ناخواسته از خانه، کاشانه، زن و فرزندان و تربیت آنان غافل شده، موجبات گسست ، تلاشی خانواده و انحرافات آنان را فراهم آورد. در یک پژوهش از میان سارقان، بالاترین تراکم مشاغل افراد سارق، مربوط به مشاغل کارگری، رانندگی و دامداری بوده است. عموماً مشاغل افراد سارق، از نوع مشاغل سطح متوسط به پایین جامعه است. این نوع مشاغل عموماً پرزحمت و کم درآمد می باشد.

**بی کاری و عدم اشتغال :** از دیدگاه جامعه شناسان و روان شناسان بی کاری یکی از ریشه های مهم بزهکاری و کجروی افراد یک جامعه است.

بی کاری موجب می شود که افراد بیکار جذب قهوه خانه ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شده، به تدریج، به دامان انواع کجروی های اجتماعی کشیده شوند. علاوه براین، چون بی کاری زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی است، افراد با زمینه قبلی و برای کسب درآمد بیشتر دست به سرقت می زنند؛ چرا که فرد به دلیل نداشتن شغل و درآمد ثابت برای تأمین مخارج زندگی مجبور است به هر طریق ممکن زندگی خود را تأمین نماید. از نظر چنین فردی، بزهکاری به ظاهر معقول ترین و بهترین این راه هاست. حاصل تحقیقات صورت گرفته نیز حکایت از تأثیر قاطع بی کاری و فقر بر افزایش بزهکاری دارد.

### **فقر و مشکلات معیشتی :**

در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و ارتکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

عدم بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوایابی را در فرزندان فراهم می سازد.



این امر موجب می شود تا این افراد برای التیام ناراحتی های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند.

از سوی دیگر، امروزه فشارها و مشکلات اقتصادی، احتمال دو شغله بودن یا اشتغال نان آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیر مجاز را افزایش داده است. همین مسئله منجر به کم توجهی آنان نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آن ها گردیده است.

در این زمینه، انعکاس شرایط افسانه ای برخی زندگی ها و نمایش فاصله های طبقاتی توسط رسانه ها نقش مؤثری در ازدیاد این مشکل دارند. در یک پژوهش صورت گرفته در استان قم در ارتباط با علل و عوامل سرقت در میان جوانان قمی، سارقان مورد مطالعه چنین پاسخ داده اند «اگر شغل مناسبی داشتم»؛ «اگر از نظر مالی بی نیاز بودم» و «اگر مسکن مناسبی داشتم» دست به سرقت نمی زدم.

**دوستان ناباب:** گروه همسالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند.

فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می شود. از این رو، به شدت متأثر از آن گروه می گردد، تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد.

تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست چرا که فرد پس از خانواده، منحصراً زیر نفوذ گروه قرار می گیرد.

ساترلند در نظریه «انتقال فرهنگی کجروی» خود بر این نکته مهم تأکید می کند که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران - یعنی منحرفان و دوستان ناباب - آموخته می شود و همان گونه که همنوایان از طریق همین ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش های فرهنگی آن گروه و جامعه را پذیرفته، خود را با آن انطباق می دهند، افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن، به سمت و سوی ناهمنوایی سوق داده می شوند. این نظریه تأکید می کند که فرد منحرف تنها با هنجارشکنان، و فرد همنو تنها با افراد سازگار ارتباط ندارد، بلکه هر انسانی با هر دو دسته این افراد سر و کار دارد.

اما اینکه کدام یک از آن دو گروه، فرهنگ خود را منتقل می کنند و تأثیر می گذارند به عوامل دیگری نیز بستگی دارد که این عوامل عبارتند از:

1. **شدت تماس با دیگران:** احتمال انحراف فرد در اثر تماس با دوستان یا اعضای خانواده منحرف خود، به مراتب بیشتر است تا در اثر تماس با آشنایان یا همکاران منحرف خود

2. **سن زمان تماس:** تأثیرپذیری فرد از دیگران در سنین کودکی و جوانی بیش از زمان های دیگر و سایر مقاطع سنی است.

3. میزان تماس با منحرفان در مقایسه با تماس با هم‌نوایان: هرچه ارتباط و معاشرت با کج رفتاران نسبت به هم‌نوایان بیشتر باشد، به همان میزان احتمال انحراف فرد بیشتر خواهد بود.

محیط: محیط نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در پیدایش رفتارهای شایسته و یا ناشایست است.

اگر در منزل و خانه، کوچه، خیابان و مدرسه، و محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکاری وجود داشته باشد، فردی را که آمادگی انحراف در او وجود دارد، به سوی جرم و ارتکاب رفتار بزهکارانه سوق می‌دهد. در پیدایش هر جرمی، با تحلیل دقیق، به این نتیجه می‌رسیم که محیط اجتماعی بستر کاملاً مناسبی برای فرد بزهکار فراهم آورده و عامل مهمی برای پیدایش رفتار مجرمانه توسط وی بوده است. اگر فساد و تباهی و بی بند و باری بر جامعه حاکم باشد، افراد مستعد در گرداب تباهی‌های آن اسیر می‌شوند و اگر نظام اجتماعی بر معیارها و الگوهای ارزشی استوار باشد و برنامه‌های هدف دار و مشخصی طرح ریزی گردد، امکان انحراف اجتماعی در جامعه و در میان افراد بسیار ضعیف خواهد بود.

به گفته یکی از محققان، محیط در شکل‌گیری شخصیت و منش انسان نقش بسیار تعیین‌کننده و مؤثری ایفا می‌کند و رفتار انسان که نشانه‌ای از شخصیت و منش اوست، تا حد زیادی، ناشی از تربیت اکتسابی از محیط است. بنابراین، محیط آلوده، افراد را آلوده و محیط سالم و با نشاط، زمینه ساز رشد و شکوفایی و شادابی و نشاط افراد است.

فقر فرهنگی و تربیت نادرست: از دیگر عواملی که موجب سوق یافتن جوانان به سوی انحرافات اجتماعی است، فقر فرهنگی و محدودیت‌ها و تبعیض‌های ناشی از فقر فرهنگی می‌باشد.

از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده هاست. چنان که سطح تحصیلات (بی سوادی و یا کم سوادی اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه‌های مذهبی، عدم هم‌نوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتها به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه‌هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک‌های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرایم آنان را دوچندان می‌کند.

تبعیض جنسیتی و یا تبعیض بین فرزندان نیز از جمله عوامل مهم فقر خانوادگی است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنان و دل‌سردی آنان از زندگی می‌شوند.

تبعیض در برخورد با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض‌آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا به عکس، موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می‌شود.

رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی: رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب می‌توانند از جمله مؤلفه‌های درخور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری جوانان به سمت و سوی بزهکاری و رفتارهای انحرافی باشند.

بررسی‌ها نشان داده‌اند در ظرف چند سال اخیر و در پی ورود برخی مطبوعات زرد (= مبتذل، عامه‌پسند و جنجالی) به عرصه رسانه‌های کشور و استفاده این نشریات از عناوین جنجالی و هیجانی و همچنین بهره‌گیری از شخصیت‌های سینمایی و هنری و درج اخبار بی‌محتوا و توأم با بزرگ‌نمایی، انعکاس بیش از حد اخبار مربوط به بازیگران سینما و توجه مفرط به اخبار و حوادث، توجه تعداد قابل‌توجهی از نوجوانان و جوانان به مطالب مندرج در آن‌ها جلب شده است. این مسئله موجبات فراهم آوردن زمینه‌های آسیب‌های اجتماعی مختلف شده است.

از سوی دیگر، پخش شمار قابل‌توجهی از سریال‌های تلویزیونی، از طریق صدا و سیما و یا شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی، با مضامین زندگی‌های مجردگونه غربی توأم با جذابیت، نشاط، رفاه، موفقیت و به‌طور کلی با تصویرسازی مثبت از این نوع زندگی‌های از هم‌گسیخته، نقش مؤثری در تقویت انگیزه‌گریز از قید و بندهای خانوادگی و هنجارها، و ارتکاب جرایم اجتماعی ایفا کرده است. نقش رسانه‌های جمعی، به‌ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی‌بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پای‌بندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حایز اهمیت است.

#### هدف‌ها و مقاصد آسیب‌شناسی اجتماعی را چنین می‌توان برشمرد:

1. مطالعه و شناخت آسیب‌های اجتماعی و علل و انگیزه‌های پیدایی آنها و نیز بررسی شخصیت‌کژرفتاران و ویژگی‌های جسمانی، روانی، فرهنگی و اجتماعی آنان. شناخت درست درد‌ها و آسیب‌ها، نخستین شرط چاره‌جویی و بیش از نیمی از درمان است؛ درد تشخیص‌نا داده را درمان نتوان کرد؛ زیرا هرگونه ساختن بدون شناختن، تیر در تاریکی رها کردن است.
2. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به منظور بهسازی محیط زندگی و جمعی‌خانوادگی. از آنجا که پیشگیری همواره ساده‌تر، عملی‌تر و کم‌هزینه‌تر از درمان است، دارای اهمیت بسیار می‌باشد.
3. درمان آسیب‌دیدگان اجتماعی یا بکارگیری روش‌های علمی و استفاده از شیوه‌های مناسب برای قطع ریشه‌ها و انگیزه‌های آنان.
4. تداوم درمان برای پیشگیری و جلوگیری از بازگشت مجدد کژرفتاری و بررسی شیوه‌های بازپذیری اجتماعی. در عصر ما پیشگیری مهم‌تر از درمان است. بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی برآنند که برای مبارزه با کژرفتاری‌ها باید زمینه اجتماعی آنها را از میان برداشت و برای حصول این منظور رعایت دو اصل ضروری است.

## (( شرایط کشور : دوره گذار ))

نمی توانیم با عنوان دوره گذار نیز شرایط کشور را توجیه کنیم. در سال های 65-60 با بالاترین نرخ رشد جمعیت مواجه بودیم. الان آن جمعیت به 31-36 سالگی رسیده که دانشگاه ، کار و مسکن می خواهند. تا 10 سال دیگر با انبوه فوق لیسانس و دکترای بیکار مواجه هستیم که در دانشگاه نه مهارت زندگی را یاد گرفته و نه معلومات علمی و درستی فراگرفته است و این خودبسترساز انواع آسیب های اجتماعی است. در مواجهه با بزهکاری با جوان بدبخت برخورد می شود در صورتی که باید بدانیم او علت نیست بلکه خود معلول است .

دهه 90 ، دهه بحران است چون با رشد انبوه جمعیتی مواجه هستیم که زندگی ، خانه ، شغل ، فراغت ، تفریح و غیره می خواهد و همه اینها هم حق اوست. اما ما با توجه به درآمد انبوه نفتی و غیرنفتی و درآمدی که داریم نمی توانیم نیازهای او را برآورده کنیم ، کشور ما مثل اقتصادی ندارد ، بلکه در تدبیر و اعمال مدیریت بهینه مشکل دارد. وقتی برای جوان تفریح سالم ایجاد نکنیم او به سمت تفریحات ناسالم می رود ، وقتی محدودش می کنیم سر از زیرزمین ها و خانه های تیمی و غیره در می آورد.

### راهکارهای پیشگیری از آسیب های اجتماعی

#### پیش گیری / از جرم

اصطلاح «پیش گیری» به معنای «پیش دستی کردن» و «به جلوی چیزی رفتن» و نیز «آگاه کردن و هشدار دادن» است. هر چند در گذشته از این واژه بیش تر به معنای «پیش گیری کیفری» برداشت می شد، و شامل مجموعه ای از مجازات ها و اقدامات تأمینی می شد که برای مقابله با جرم و جنایت استفاده می شود، اما امروزه «پیش گیری» شامل تدابیری می شود که از اساس مانع شکل گیری جرم و بزه در صفحه اندیشه بزهکار و ساحت جامعه می شود.

از منظر دینی: پیش گیری از جرم از اهمیت بالایی برای نظام قضایی کشور ما برخوردار است. بی تردید اقدامات پیش گیرانه از وقوع جرم و بزهکاری و انحراف از اصول قضای اسلامی محسوب می شود. اقدامات پیش گرانه مجموعه ای از اقدامات و فعالیت های سازنده تربیتی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در بر می گیرد. در واقع ، سیاست های پیش گیرانه ، که به کلیه اقدامات و راه کارهای مستقیم و غیرمستقیم بازدارنده از وقوع جرم و انحراف معطوف است، یک «سیاست پیشینی» است که در برابر انواع مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، که «سیاست پسینی» است، قرار می گیرد و از آن کارآمدتر و مؤثرتر از نظر هزینه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و نیز مقرون به صرفه تر است.

اجمالاً سیاست های پیشینی و پسینی باید سه مرحله «پیش از وقوع جرم» مرحله «وقوع جرم» و «پس از وقوع» را در برگیرد.

### **الف. مرحله پیش از وقوع جرم**

در این مرحله، که مهم‌ترین مرحله و کارآمدترین نیز هست، توجه به نکات زیر ضروری است: باید به اصل فراگیری سلامت اجتماعی توجه نمود و کلیه اقدامات و برنامه‌ها را براساس آن سازماندهی کرد. برخوردار کردن آحاد جامعه از نیازهای اساسی زندگی و بویژه، امنیت اجتماعی و استمرار آن در شرایط بحرانی، پیش‌بینی چهارچوب قانون مناسب با تدابیر و اقدامات پیش‌گیرانه و وضع قوانین حمایتی کودکان، خانواده‌ها و... توجه ویژه به نقش پیش‌گیرانه آموزشی و پرورشی رسمی و غیررسمی، مدارس و مراکز آموزش عالی، برنامه‌های آموزشی، تربیتی، پرورشی و... از جمله این اقدامات است.

### **ب. مرحله وقوع جرم**

در این مرحله پدیده جرم و بزهکاری از منظر پیش‌گیری باید بطور جدی مورد بررسی قرار گیرد. علل و عوامل شکل‌گیری و گسترش آن شناسایی شود، انواع جرایم، میزان شیوع و گستره آن، گسترش جغرافیایی جرم و امکانات نهادهای فعالی همچون پلیس، دستگاه قضایی، مشاوران و مددکاران به کمک فراخوانده شوند.

### **ج. مرحله پس از وقوع جرم**

در این مرحله توجه به کشف، تعقیب و مجازات و تنبیه مجرمان و بزهکاران، و اتخاذ تدابیری به عنوان سیاست‌های پیش‌گیرانه حایز اهمیت است. در مراحل ورود مجرم و بزهکار به زندان، اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات و برنامه‌هایی با توجه به اصول پیش‌گیری مورد توجه قرار گیرد. رعایت اصول اجرای مجازات‌ها و توجه به کرامت عزت و جایگاه انسانی محکومان، پرهیز از تحقیر و تخریب شخصیت افراد، به کارگیری روش‌ها و سیاست‌ها و راهکارهای بازپروری، مشاوره درمانی، گروه درمانی، تقویت مراکز اصلاح و تربیت، تقویت امکانات و تجهیزات زندان‌ها، به کارگیری نیروهای انسانی تربیت‌گرا در کادرهای مختلف زندان، نظارت پس از آزادی، حمایت مادی و معنوی از افراد آزاد شده، حمایت و تشویق می‌باشد.

### **امورمربوط به مسائل پس از وقوع جرم جهت اصلاح در زندان**

#### **الف. اقدامات پیشگیرانه**

همواره و در هر مسئله اجتماعی، پیشگیری بسیار مفید و مؤثرتر و کم هزینه‌تر از درمان می‌باشد. در اینجا برای پیشگیری از ارتکاب عمل بزهکارانه توسط افراد، به ویژه نوجوانان یا جوانان پیشنهاداتی ارائه می‌شود:

- هماهنگ کردن بخش‌های عمومی و خصوصی، که در زمینه پیش‌گیری از وقوع جرم فعالیت دارند؛ مانند نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، بهزیستی، امور زندان‌ها، قوه قضائیه، شهرداری‌ها، شوراها، امور جوانان و... به منظور اجرای برنامه عملی پیش‌گیرانه و هماهنگی بیش‌تر

- آگاهی دادن به خانواده‌ها برای نظارت و کنترل بیشتر آنان بر فرزندان و گوشزد کردن میزان مجازات جرایم در صورت ارتکاب جرم توسط آنان

- اتخاذ تدابیر امنیتی بیش‌تر توسط نیروی انتظامی در محل‌های جرم‌خیز، و اقداماتی به منظور کمک به خانواده‌ها، بخصوص نوجوانان و جوانانی که در معرض آسیب قرار دارند.

- اطلاع‌رسانی شفاف رسانه‌های جمعی برای تشویق جوانان درباره تسهیلات و فرصت‌هایی که جامعه برای آنان قرار داده است.

- تجهیز پلیس برای مقابله جدّی با باندهای مخوف انواع گوناگون بزهکاری اجتماعی در جامعه .

- اقدامات امنیتی برای مراکز حساس تجاری، بانکی و...

### **ب. راهکارهای شناسایی مشکلات نوجوان و جوانان**

از آنجایی که، بیشترین آسیب‌های ارتكابی از سوی نوجوانان و یا جوانان می‌باشد، راهکارهای ارائه شده نیز برای همین قشر ارائه می‌گردد. علاوه بر اقدامات پیش‌گیرانه فوق، شناسایی راهکارهایی برای شناخت نوع مشکلات نوجوانان و جوانان امری لازم و ضروری است. مواردی چند در این زمینه مطرح است:

شناخت نیازهای روانی و کیفیت ارضای این نیازها در شادابی و نشاط فرد بسیار مؤثر است. ارضا نشدن این نیازها و یا ارضای ناقص آن، اثرات نامطلوب برجای گذاشته، زندگی را به‌کام‌فرد تلخ کرده، وی را به انحراف می‌کشاند.

- توجه به مشکلات جسمانی فرد، مشکلاتی همچون اختلال در گویایی، بینایی، شنوایی، جسمانی و عقب‌ماندگی ذهنی.

- توجه به مشکلات آموزشی، مانند ناتوانی در یادگیری، ترک تحصیل، افت تحصیلی، بی‌توجهی به تکالیف درسی و تقلب در درس.

- توجه به مشکلات عاطفی، روانی، همچون افسردگی، خیال‌بافی، بدبینی، خودکم‌بینی، خودبزرگ‌بینی، زودرنجی، خودنمایی، ترس، اضطراب، پرخاشگری، حسادت، کم‌حرفی و وسواس.

- توجه به مشکلات اخلاقی، رفتاری همچون تماس تلفنی و نامه‌نگاری با جنس مخالف، معاشرت با جنس مخالف، شرکت در مجالس، خودارضایی، چشم‌چرانی، فرار از منزل، غیبت از مدرسه، اقدام به خودکشی، سرقت، دروغ‌گویی، اعتیاد، ولگردی و...

**برای ارضای نیازهای نوجوانان و جوانان توجه به امور زیر ضروری است**

- ▶ نیاز به محبت و مهربانی؛
- ▶ نیاز به امنیت و آرامش؛
- ▶ نیاز به احساس تعلق؛
- ▶ نیاز به قابلیت و احترام؛
- ▶ نیاز به استقلال؛
- ▶ نیاز به قدردانی و تشویق؛
- ▶ نیاز به داشتن هدف مشخص در زندگی؛
- ▶ نیاز به احساس هویت؛

▶ نیاز به احساس رشد، کمال، خودشکوفایی؛

▶ نیاز به مذهب و فلسفه حیات؛

### ج. وظایف خانواده در پیشگیری از آسیب‌ها

خانواده‌ها نیز وظایفی در مقابل پیش‌گیری از جرم و بزهکاری فرزندان خود دارند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

- دوستی با فرزند و حذف فاصله والدین با فرزندان، به گونه‌ای که آنان به راحتی مشکلات و نیازهای خود را با والدین مطرح نمایند؛

- تقویت اعتقادات فرزند، به ویژه در کودکی و نوجوانی، در کنار پای‌بندی عملی والدین به آموزه‌های دینی؛

- ایجاد محیط و بستر مناسب و سازگاری در محیط خانه؛

- ایجاد بستر مناسب برای احساس امنیت، آرامش، صفا و صمیمیت و درک متقابل والدین و فرزندان؛

- تلاش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان توسط والدین؛

- توجه به نیازهای روحی و عاطفی اطفال و نوجوانان و ایجاد فضای مطلوب و آرام در خانواده؛

- مراقبت والدین نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود؛

- برنامه‌ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛

- نظارت جدی والدین نسبت به دوست‌یابی فرزندان.

### د. وظایف سایر نهادها

علاوه بر خانواده، سایر نهادها از جمله مجموعه حاکمیت، آموزش و پرورش، قوه قضاییه، بهزیستی و... نیز در این زمینه وظایفی دارند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

. تقویت ارتباط میان والدین دانش‌آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی؛

. تاسیس مراکز مشاوره‌ای مفید و کارآمد در مدارس؛

. به‌دادن به مسئله ترک تحصیل و یا اخراج دانش‌آموزان از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده‌های آنان؛

. ضرورت آشنایی نیروهای نظامی و انتظامی با انحرافات اجتماعی و نحوه برخورد با آنان؛

. اعمال مجازات‌های سنگین، علنی و جدی (در ملأ عام) برای باندهای فساد، اغفال و...؛

. تقویت نظارت‌های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت‌های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر

برای پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی‌های اجتماعی؛

. برنامه‌ریزی اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه، رفع بی‌عدالتی، و پی‌گیری منطقی نیازهای جوانان، تأمین امنیت و

نیاز شهروندان؛

. جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرهای بزرگ و جلوگیری از پرداختن جوانان به شغل‌های کاذب مثل کاپن

فروشی، سیگار فروشی، نوارفروشی و...؛

. ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی، مشاوره ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛

. ایجاد تسهیلات لازم برای جوانان و نوجوانان از قبیل وام ازدواج، وام مسکن، وام اشتغال، و...؛

. ایجاد بستر مناسب برای ایجاد بیمه همگانی، بیمه بیکاری، و برخورداری نوجوانان و جوانان از تسهیلات اجتماعی و...؛

. فراهم کردن موقعیت ها و بسترهای لازم در جامعه تا زندانیان پس از آزادی از زندان مورد پذیرش جامعه واقع شوند و

شغل آبرومندانه ای به دست آورند؛ در غیر این صورت، مجدداً دست به اقدامات بزهکارانه خواهند زد؛

از آن رو که از جمله عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، بیکاری و فقر می باشد، می بایست با برنامه ریزی دقیق، که نیاز به عزم

ملی دارد، نسبت به اشتغال در جامعه و ریشه کنی فقر و بی کاری اقدام لازم و بایسته صورت گیرد.

شش عامل تأثیرگذار بر مقیاس در معرض خطر مصرف موادمخدر دانش آموزان به ترتیب عبارتند از:

1. ارتباط با دوستان و همسالان ناباب

2. کاهش کنترل خانوادگی

3. آلوده بودن فضای مدارس مزبور

4. آلوده بودن فضای محله های موصوف

5. کاهش عزت نفس و پایین بودن خودباوری

6. ضعف اعتقادات دینی

مهمترین عوامل تأثیرگذار بر مقیاس در معرض خطر مصرف موادمخدر دانشجویان نیز عبارتند از:

1. وجود افراد مصرف کننده در شبکه دوستان و خویشاوندان

2. ضعف عملکرد آموزشی

3. وجود خانواده های پرجمعیت و گسسته

4. ضعف گرایشان دینی

5. ضعف در پایگاه اقتصادی و اجتماعی

6. فقدان حمایت اجتماعی مناسب

7. کسب شادی و نشاط

8. دوری از استرس و اضطراب

با امعان نظر به مؤلفه های فوق الاشاره، ضرورت توسعه و تقویت فعالیت های پیشگیری از مصرف موادمخدر در سطح مراکز

آموزشی (از دوران مهد کودک تا آموزش عالی) بصورت پیوسته، منسجم و برنامه ای امری بدیهی می باشد تا بدین ترتیب

شاهد مصون سازی یک سوم جمعیت کشور که آینده سازان ایران اسلامی هستند، باشیم



## روشهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و موادمخدر در مدارس و دانشگاهها:

1. توجه به برنامه‌های اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی بصورت آرام، مستمر و عمیق راجع به عوارض، پیامدها و تبعات سوء مصرف موادمخدر صنعتی و شیمیایی و طبیعی با هدف ارتقاء سطح آگاهی دانش‌آموزان و دانشجویان متناسب با سن تقویمی و عقلی آنان.
2. توجه به برنامه‌های آموزشی با رویکرد آموزش مهارت‌های زندگی بالاخص آموزش مهارت‌های: حل مسأله - تصمیم‌گیری - ارتباطات فردی و اجتماعی - تفکر و خلاقیت - مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع دیگران و نه گفتن - ابراز وجود - مهارت تقویت معنویت و موضوعات دینی - مهارت مراقبت و صیانت جنسی - مهارت خودکنترلی و خویشتن نگهبانی - مهارت استفاده مناسب از زمان و غنی‌سازی اوقات فراغت - خودشناسی و تقویت عوامل محافظت‌کننده و نفی رفتارهای پرخطر و ایجاد نگرش منفی نسبت به مصرف مواد اعم از سیگار - قلیان - الکل - مواد صنعتی و شیمیایی و طبیعی در کلیه مقاطع مهد کودک - ابتدایی - راهنمایی - دبیرستان و دانشگاه با رعایت متغیرهای سن - جنسیت - موقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی - و با نیازسنجی مخاطبین در ابعاد مختلف شناختی - نگرشی و مهارتی با هدف ایجاد رفتارهای مثبت در گروه‌های سنی مختلف و مصون‌سازی اقشار دانش‌آموزی و دانشجویی از آسیب‌های اجتماعی و موادمخدر.
3. ترویج فرهنگ سلامت از طریق تقویت فعالیت‌های جایگزین بویژه برنامه‌های ورزشی - هنری - اردوهای تفریحی برای غنی‌سازی اوقات فراغت گروه‌های سنی و بسط و گسترش روحیه نشاط - شادابی و امیدواری در جامعه
4. توسعه اقدامات مشاوره‌ای بویژه مشاوره‌های تلفنی و رایانه‌ای و ارائه خدمات حمایتی و گسترش فعالیت‌های مددکاری بویژه برای دانش‌آموزان و دانشجویان در معرض آسیب.
5. تقویت کانونها و تشکلهای دانش‌آموزی و دانشجویی برای انجام برنامه‌های مؤثر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و موادمخدر و تلاش برای ایجاد جنبش فراگیر اجتماعی پیشگیری از مصرف مواد.
6. تولید برنامه‌های جذاب از طریق انجام کارزار و عملیات رسانه‌ای ( Media Campaign شامل تهیه و تولید مستمر برنامه‌های دیداری (تلویزیون - تئاتر - سینما) - شنیداری (راديو) - نوشتاری (کتاب - بروشور - نشریه - تراکت) - الکترونیکی (لوحهای فشرده - ایجاد تالارهای گفتگوی مجازی ( Chatroom ) در خصوص پیشگیری و ضد الگو نشان دادن مصرف و خرید و فروش مواد و همزمان ارائه مدل و سبک مطلوب زندگی در عصر پیچیده هزاره سوم.
7. ایجاد اطاق فکر با هدف نهادینه سازی تفکر قبل از عمل و هم‌اندیشی و تولید ایده‌های جدید در حوزه ارتقاء سلامت با توجه به شرایط ناپایدار الگوها برای کودکان - نوجوانان و جوانان کشور.
8. ارتقاء سطح آگاهی و آموزش والدین دانش‌آموزان برای نحوه ارتباطات صحیح با فرزندان و شناخت علل و عوامل مؤثر در نوجوانان. 

روز	اعتیاد	نوجوانان.
-----	--------	-----------
9. برگزاری نمایشگاه و مسابقات و جشنواره‌های هنری مختلف اعم از سرود - عکس - فیلم - مقاله‌نویسی - کتابخوانی - روزنامه دیواری - تئاتر - نقاشی و کاریکاتور به مناسبت‌های مختلف و همچنین برپایی همایش‌های علمی با رعایت و

تناسب گروه‌های سنی دانش‌آموزی و دانشجویی با هدف روشن شدن موتورهای ذهنی دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به راه‌های پیشگیری از مصرف موادمخدر.

10. درج متون مناسب و مفید آموزشی در کتب درسی مقاطع مختلف از دوران پیش‌دبستانی تا دوره آموزش عالی در خصوص ارتقاء سطح آگاهی دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به پیامدهای عوارض مصرف سیگار - قلیان - الکل - موادمخدر طبیعی، صنعتی و شیمیایی.

11. فعال‌سازی نهادهای مدنی و غیردولتی برای سالم‌سازی محله‌ها.

12. ایجاد دانشکده آسیب‌های اجتماعی به منظور رفع نیازهای علمی کشور.

13. توجه جدی به وضعیت خوابگاه‌های دانشجویی و ایجاد رفاه - شادابی و نشاط و غنی‌سازی اوقات فراغت با هدف پیشگیری از گرایش دانشجویان به سوءمصرف موادمخدر.

14. انجام مطالعات و پژوهش‌های کاربردی به منظور شناخت عوامل تأثیرگذار در گرایش نوجوانان و جوانان به آسیب‌های اجتماعی و تعیین نرخ شیوع اعتیاد در محیط‌های آموزشی و اتخاذ تمهیدات مناسب برای مهار و کنترل اعتیاد و موادمخدر در جامعه دانش‌آموزی و دانشجویی.

نظریه‌های تعیین‌کننده آسیب اجتماعی و فرهنگی

نظریه آنومی یا بی‌هنجاری دورکیم

گماینشافت و گزانشافت یا اجتماع و جامعه

نظریه آنومی پارسونز

نظریه آنومی مرتون

نظریه بوم‌شناختی شهری

نظریه شیشه‌های شکسته

نظریه کنترل اجتماعی (دکترین بازدارندگی)

نظریه آنومی یا بی‌هنجاری دورکیم

## داوید امیل دورکیم David Émile Durkheim

آنومی یا بی هنجاری، مفهومی است که توسط امیل دورکیم (۱۸۵۸ - ۱۹۱۷) جامعه شناس مشهور فرانسوی در ادبیات جامعه شناسی وارد

شده است. به اعتقاد دورکیم، در زندگی روستایی مبتنی بر کشاورزی هنجارهای مستقر و پایداری وجود دارند که الگوهای رفتار، وظایف و انتظارات افراد جامعه را مشخص می سازند. دورکیم همبستگی حاصل از این نظم هنجاری پایدار را همبستگی مکانیکی می نامد.

جوامع دارای این نوع همبستگی، واحدهای مستقلی هستند که در آنها خانواده به عنوان نهادی دارای کارکردهای فراوان و از جمله کارکرد اقتصادی، نیازهای تمامی افراد جامعه را تامین می کند.

با ظهور سرمایه داری صنعتی و آغاز مهاجرت مردم از روستاها به شهرها، همبستگی مکانیکی دیگر توانایی ایجاد ساختار برای زندگی اجتماعی نوین را از دست داد.

در این شرایط، نوع جدیدی از همبستگی با عنوان همبستگی ارگانیک شکل می گیرد که مبتنی بر تقسیم کار بوده و دربردارنده ساختار هنجاری هدایت کننده ای نیز است.

درواقع به اعتقاد دورکیم، همبستگی مکانیکی مبتنی بر تشابهات افراد بود، در حالی که همبستگی ارگانیک بر مبنای تمایزات موجود بین افراد جامعه، شکل می گیرد.

اما گذار از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیک مدتی به طول می انجامد. ویژگی غالب این دوره گذار، بی سازمانی هنجاری است که دورکیم آن را شرایط آنومیک می نامد.

البته منظور دورکیم از این واژه بی هنجاری مطلق نیست. زیرا در هر جامعه ای به هر حال هنجارهای غالبی وجود دارند، در واقع هدف اصلی او توصیف وضعیتی است که در آن بی نظمی نسبی هنجاری حاکم است

رها شدن از تاثیر بازدارنده و محدودکننده هنجارها نه تنها شرایط را برای زندگی افراد مساعدتر و آزادتر نمی کند بلکه در غیاب هنجارهای هدایت کننده، مردم نمی دانند چگونه رفتار کنند و در انتظار چه چیزهایی باشند.

از نظر دورکیم، بسیاری از مسائل اجتماعی در اروپای دستخوش صنعتی شدن شتابان در نتیجه عدم وجود یک نظم هنجاری مناسب پدید آمده بودند. نمونه بارز این نوع نگاه در کتاب «خودکشی» قابل مشاهده است.

دورکیم در این کتاب، با بررسی جامعه شناختی آمارهای مربوط به خودکشی، خودکشی را دارای انواعی می داند که یکی از آنها خودکشی «آنومیک» است.

این نوع از خودکشی زمانی شیوع می یابد که ارزش ها و هنجارهای گروهی معنای خود را از دست داده و موجبات انزوا، سردرگمی و نابسامانی فردی را در اعضای گروه فراهم می آورند

1) خودکشی دگر خواهانه

2) خودکشی ناشی از بی هنجاری

3) خودکشی جبری

## گماینشافت و گزلفاشت یا اجتماع و جامعه

به آلمانی: *Gemeinschaft und Gesellschaft*

جامعه‌شناس آلمانی، فردیناند تونیس اند *Community* و *Society* و جامعه

### اجتماع

بیان‌گر همان اجتماعاتی است که در پیشاتجدد به صورت یک خانواده بزرگ یا قبیله و قوم تجلی می‌کرد و جلوه‌هایی از آن در روزگار تجدد نیز دیده می‌شود.

در عین حال گماینشافت و گزلفاشت را می‌توان به عنوان دو روی یک سکه و دو نوع روابط اجتماعی هم‌زمان هم تعبیر کرد

روابط اجتماعی در اجتماع بر پایه عاطفه، سنت، خویشاوندی و دوستی قرار دارد. به عبارت دیگر پایه طبیعی اجتماع (در آداب عامیانه، عرفیات و تصورات طبقه عوام وجود دارد.

بر عکس هر جا که شهرنشینی شکوفه می‌کند و ثمر می‌نشیند جامعه به عنوان ابزار ضروری آن ظاهر می‌شود)

### جامعه:

مجموعه‌ای از افراد انسان که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند، جامعه را تشکیل می‌دهند.

زندگی دسته جمعی این نیست که گروهی از انسانها در کنار یکدیگر و در یک منطقه زیست کنند و از یک آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده نمایند. درختان یک باغ نیز در کنار یکدیگر زیست می‌کنند و از یک آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده می‌نمایند، همچنانکه آهوان یک گله نیز با هم می‌چرند و با هم می‌خرامند و با هم نقل مکان می‌کنند. اما نه درختان و نه آهوان هیچ کدام زندگی اجتماعی ندارند و جامعه تشکیل نمی‌دهند.

زندگی انسان که اجتماعی است به معنی این است که ( ماهیت اجتماعی) دارد :

از طرفی نیازها، بهره‌ها و برخورداریها، کارها و فعالیتها ماهیت اجتماعی دارد و جز با تقسیم کارها و تقسیم بهره‌ها و تقسیم رفع نیازمندیها در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست، از طرف دیگر نوعی اندیشه‌ها، ایده‌ها، خلق و خویها بر عموم حکومت می‌کند که به آنها وحدت و یگانگی می‌بخشد، و به تعبیر دیگر، جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسانها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمانها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند.

عوامل پایداری جامعه:

(1) اهداف معین

(2) تقسیم کار

(3) وجود ارزش‌ها و هنجارهای جامعه

(4) کنترل اجتماعی

فرهنگ: به مجموعه در هم تافته ای از اعتقادات، آداب و رسوم، اخلاقیات و... که افراد جامعه از آن تبعیت می کنند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود

انواع فرهنگ: الف) فرهنگ مادی «محسوس و ملموس است مانند: شهرها، بناها، اشیاء» (ب) فرهنگ غیر مادی (معنوی) نامحسوس، ناملموس و جنبه ی کیفی دارد «شامل ارزشهای فرهنگی-هنجارهای فرهنگی-نماد-باورها»  
ارزشهای فرهنگی:

احساسات ریشه دار و عمیقی است که اعضای جامعه بر آن شریک اند. این رزشها، اعمال و رفتار جامعه را تعیین می کند.

هنجارهای فرهنگی: بعد عملی ارزش های فرهنگی

نماد: نشانه هایی که در یک جامعه شناخته شده است

باور: باورها یا عقیده ها، اندیشه هایی هستند که فرد به درستی و حقانیت آنها اعتقاد دارد.

خرافات: جمع واژه عربی خرافه است. معتقدات، باورها یا انجام کارهایی که هیچگونه ریشه عقلانی ندارند. خرافات به اسطوره ها و پیشگویی ها مربوط می شوند.

### پارسونز (1942) نظریه کنش اجتماعی: (Action Social Theory)

نظام اجتماعی شامل تعامل های افراد در گروه ها و خرده فرهنگ ها عنوان کرد که شامل سازماندهی هنجارها، ارزش ها و نهادها راهنمای تعامل افراد است.

از نظر او کنش یا عمل عبارت از رفتاری است که به وسیله مقاصدی که کنشگران برای اشیاء و اشخاص قائل می شوند جهت داده شده است

پارسونز معتقد بود که ایجاد یک جامعه ممکن نیست مگر اینکه تمام افراد بالغ، اصولی را بپذیرند که بر اساس آن نحوه تقسیم کار برای همه قابل درک و تحمل پذیر شود.

به این معنا که جامعه از انسان هایی تشکیل شده که درباره یک سری ارزش های به خصوص اتفاق نظر دارند و درباره آنچه که درست یا نادرست تصور می شود، یکسان می اندیشند. از دیدگاه جامعه شناسی پارسونزی، نظم اجتماعی به تحقق ارزش های مشترک و عمومی وابسته است که به صورتی مشروع و اجباری مورد پذیرش جامعه قرار می گیرند. از نظر پارسونز، هر فرد در نظام شخصیتی خود که قسمتی از نظام کلی کنش است، هویتی منحصر به فرد و یکتا دارد؛ اما این نظام شخصیتی در ارتباط متقابل با سایر بخش های نظام کنش عمل می کند. کنش ارادی بوده و فرد در انجام دادن آن مختار می باشد.

وی ارزش ها را راهنمای کنش معرفی کرد و تأکید داشت که کنش های اجتماعی در چارچوب نظام هنجارها و ارزش های اجتماعی از خصلت ارادی برخوردار است.

به طور کلی، بحث اصلی پارسونز در تبیین انحرافات اجتماعی بر مبنای پیش فرضی که در مورد خرده نظام های چهارگانه:

فرهنگ، اجتماع، شخصیت و اقتصاد مطرح کرده، شکل گرفته است.

کارکردهای مناسب هر یک از این خرده نظام ها و ارتباط و کنش متقابل بین آنها عامل کنترل کننده جامعه و همچنین عامل بقاء و پایداری نظام اجتماعی است.

در مقابل، عدم تعادل و بی سازمانی در هر یک از خرده نظام ها، حیات جامعه را تهدید کرده و زمینه را برای رفتار انحرافی فراهم می سازد.

نهادهای و سازمان های اجتماعی، عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه پذیری، الگوهای رفتاری و درونی ساختن آنها در افراد هستند.

در صورتی که نهادهای و سازمان های کارگزار جامعه پذیری نظیر: خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارآیی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی سازمانی اجتماعی شده و پی آمد آن، شیوع رفتار انحرافی در جامعه است. پارسونز، آنومی را نیز حاصل گسیختگی کامل نظم هنجاری می دانست.

### نظریه انحرافات اجتماعی مرتن

#### ساختار فرهنگی (cultural structure)

از نظر مرتن ساختار فرهنگی «مجموعه سازمان یافته ای از ارزشهای رهنمودی حاکم بر رفتار عموم اعضاء یک جامعه یا گروه مشخص است.» او در تحلیل کارکردیش، کارکرد ساختار فرهنگی را تولید نظامهای ارزشی یعنی خوبها و بدها می داند.

#### ساختار اجتماعی (Social Structure)

از نظر وی ساختار اجتماعی «مجموعه سازمان یافته ای از روابط متقابل اجتماعی است که در آن هر یک از اعضاء جامعه یا گروه به اشکال مختلفی به هم پیوسته اند.» او کارکرد ساختار اجتماعی را تولید نظام های هنجاری یعنی بایدها و نبایدها می داند و معتقد است که این ساختار اجتماعی است که ابزار و راههای مشروع رسیدن به اهداف را مشخص می کند.

رابطه ساختار فرهنگی و اجتماعی:

ساختار فرهنگی تعیین کننده ساختار اجتماعی است. اول ارزشها یعنی خوبها و بدها مطرح می شوند سپس هنجارها یعنی بایدها و نبایدهای مربوط به آنها مطرح می شوند. اول می گوئیم رسیدن به مدارج بالای عملی خوب است سپس می گوئیم برای رسیدن به آن باید درس خواند. پس اول اهداف تعیین می شود سپس راههای رسیدن به این اهداف نوع شناسی سازگاری فردی:

«او در مقاله ای درباره آنومی (ناهنجاری) تیپولوژی پنج شیوه سازگاری فردی را کامل می کند، که آن از یک طرف پذیرش یا رد اهداف فرهنگی و از طرف دیگر پذیرش یا رد ابزار نهادی شده موجود برای دستیابی به این اهداف را شامل می شود.» در مجموع، یک حالت از رد و جانشین سازی برای آن را پیش بینی می کند.

نوع شیوه های سازگاری	اهداف فرهنگی	ابزار نهادی شده
همنوایی (conformity)	+	+
نوآوری (Innovation)	-	+
مناسک گرایی (Ritualism)	+	-
انزوا گرایی (Retreatism)	-	-
طغیان (Rebellion)	[±]	[±]

1

- همنوایی:

سازگاری هم با اهداف فرهنگی و هم با ابزار نهادی شده عمومی ترین شکل رفتار است یعنی فرد هم اهداف فرهنگی تعیین شده از سوی ساختار فرهنگی جامعه را می پذیرد و خودش را با آن همنوا می کند و هم ابزار فرهنگی تعیین شده از سوی ساختار اجتماعی جامعه را می پذیرد و خودش را با آن همنوا می کند.

2- نوآوری:

که در آن فرد تاکیدات فرهنگ روی هدف را قبول کرده است بدون اینکه به همان اندازه هنجارهای نهادی شده حاکم بر راه ها و ابزار رسیدن به آن (هدف) را درونی کرده باشد.

(یعنی فرد اهداف ارائه شده از سوی ساختار فرهنگی جامعه را قبول نکرده، اما ابزار ارائه شده از سوی ساختار اجتماعی را پذیرفته است و آن ابزار را به کار می گیرد).

به عنوان مثال افرادی که در یک جامعه اسلامی اعتقادی به خدا ندارند اما به شیوه و راه و رسم مسلمانان زندگی می کنند، از این نوع هستند.

### 3- تشریفات پرستی (مناسک گرایي)

تشریفات پرستی به این معناست که افراد، ابزارها و وسایل مورد تأیید جامعه را نپذیرفته اند؛ اما اهداف فرهنگی در سطح وسیعی انکار می شود. مانند پرستاری که به قوانین و مقررات رسمی تعریف شده در بیمارستان بیشتر اهمیت می دهد تا نجات جان بیماری که در آستانه مرگ در خارج از چارچوب رسمی بیمارستان به فوریت های پزشکی نیاز دارد.

### 4- انزوا گرایی:

که شامل رویگردانی و انصراف افراد از اهداف و ابزار می شود» یعنی در آن افراد اهداف و ابزار تعیین شده از سوی ساختار فرهنگی و اجتماعی را نپذیرفته اند و در جامعه عزت نشینی اختیار کرده اند. که می توان به عنوان مثال به معتادین مواد مخدر، الکی ها، روانی ها و افراد منفعل در جامعه اشاره کرد.

### 5- طغیان:

جائیکه سیستم نهادی شده به عنوان سدی برای رسیدن به اهداف مشروع در نظر گرفته می شود، ارزشهای جدیدی ایجاد می شود و افراد به ابزار جانشین برای نیل به آن اهداف مجهز می شوند. یعنی اهداف جامعه را مشروع نمی دانند و اهداف مشروع مورد نظر خود را به وجود می آورند. که در آن اهداف و وسایل نهادی شده بطور کامل رد می شود و اهداف و وسایل جدیدی برای جانشینی آنها بوجود می آید.

### نظریه بوم شناختی انحراف: (Ecology Deviance Theory)

در دهه 1920 گروهی از جامعه شناسان که مقر آنها در شیکاگو بود و بعدها به اعضای مکتب شیکاگو (Shicago School) شهرت یافتند، روشی با عنوان «بوم شناسی» برای مطالعه زندگی اجتماعی ایجاد کردند که به مطالعه روابط بین گروه های انسانی و محیط آنان می پردازد. اعضای مکتب شیکاگو این مفهوم را درباره رشد شهرهای بزرگ به کار بردند و چنین استدلال کردند که رفتار انسان را می توان برحسب محیط شهری او تبیین کرد. به ویژه آنان مدعی شدند که در اثر توسعه شهرهای بزرگ، محله های مشخصی به وجود می آیند که هر کدام شیوه های خاص زندگی خود را دارند دو تن از این جامعه شناسان به نام های پارک و برگس (Park & Bergs) که در زمینه جامعه شناسی شهری مطالعه می کردند، در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت تمرکز کردند. برخی از این متغیرها عبارت بودند از:

زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه های سکونتگاهی و تراکم جمعیت. به اعتقاد پارک و برگس، محیط فیزیکی شهر با الگوهای فرهنگی - اجتماعی، جمعیت شهری و زندگی شهرنشینی در هم تنیده است. پارک بر این باور بود که نواحی شهری از انگیزه ها و گرایش ساکنان ممانعت می کند و باعث انحرافات اجتماعی می شود.

بر اساس نظریه برگس نیز که «الگوی نوع آرمانی (Ideal - Typical Pattern) نام دارد، جامعه صنعتی کلان شهر از

5 منطقه سکونتگاهی به شکل دواير متحدالمرکز از مرکز به پیرامون به ترتیب به شرح زیر تشکیل شده است:

1- منطقه تجاری - مرکزی

2- منطقه انتقالی



3- منطقه سکونتگاهی کارگران

4- منطقه سکونتگاهی طبقه متوسط

5- منطقه با کم ترین جرم

برگس معتقد بود که در منطقه انتقالی، به دلایلی چون: سطح بالای تحرک جمعیت، نرخ بالای مهاجرت، ویرانی خانه ها و تراکم جمعیت،

بالاترین نرخ جرم و بزهکاری مشاهده می شود. عدم ثبات جمعیتی و بوم شناختی در منطقه انتقالی موجب تخریب توانایی کارکردی نهادهای اجتماعی از قبیل: خانواده و کنترل رفتار ساکنان می شود.

از طرفی، ارزش های سنتی فرهنگ قومی توان متقاعدسازی نوجوانان و جوانان را نداشته و آنان به یک وضعیت حاشیه ای کشیده می شوند. در نتیجه، فاقد هویت های گروهی و مرجع هایی می شوند که آنان را به سمت رفتاری که در جامعه مورد پذیرش است سوق دهد.

در چنین شرایطی، گروه های هم سال و گروه های هم سال بزهکار جای خالی را پر کرده و راه حل هایی برای خروج از این وجود حاشیه ای ارائه می دهند.

در وضعیت هایی که هیچ گروهی به عنوان یک گروه مرجع در صحنه حاضر نباشد، تداوم انزوا و تنهایی موجب ارتکاب رفتارهای بزهکارانه ای نظیر: استفاده از مواد مخدر و انحرافات جنسی می شود .

پارک و برگس بر این باور بودند چنان چه اقلیت های فرهنگی و نژادی مهاجران ، از فرهنگ متجانس خود جدا شده و به عنوان یک خرده فرهنگ وارد مناطق شهری به ویژه سکونتگاه های فقیرنشین شوند ؛ در شهرهای صنعتی این فرآیند تبدیل گروه های اقلیت به خرده فرهنگ ، همراه با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین ساکنان و سکونت در زاغه نشین های شهر منتهی به ایجاد یک خرده فرهنگ بزهکارانه و شیوع جرم و جنایت خواهد شد.

**نظریه یادگیری یا انتقال فرهنگ جامعه یا نظریه پیوند افتراقی یا معاشرت و همنشینی با اغیار :**

این نظریه مدعی است که افراد به همان شیوه ای که می آموزند از قوانین تبعیت کنند به همان شیوه هم یاد می گیرند که کج رفتار شوند .

رفتار انحرافی از طریق معاشرت و هم نشینی با اغیار و بدان و داشتن روابط یا سطحی از معاملات با انواع تبهکاران نظریه یادگیری تکمیل نظریه بوم شناختی است .

**اصول اصلی نظریه یادگیری یا پیوند افتراقی :**

1) کج رفتاری یادگرفتنی است نه ارثی و نه محصول بهره هوشی پائین .

2) کج رفتاری در تعامل با دیگران آموخته می شود .

3) بخش اصلی یادگیری کج رفتاری هنگام ارتباط صمیمی در حلقه های درون گروهی رخ می دهد و رسانه های جمعی مثل مطبوعات ، سینما و ... در این میان نقش ثانویه ایفا می کنند .

4) فرایند یادگیری رفتار تبهکاران شامل :

الف ( تکنیک تبهکاری ب ) انگیزه های تبهکاری ج ( گرایش به تبهکاری د ) دلیل تراشی جهت انجام رفتار مجرمانه برای مثال جوان می آموزد که چگونه در موقعیت های مختلف دزدی کند و چگونه برای توجیه دزدی خود استدلال بیاورد .

5) همنشینی با تبهکاران ممکن است از نظر دفعات ، مدت شدت و اولویت متفاوت باشد.

بسط و گسترش نظریه یادگیری توسط برگس - ایکرز

برگس - ایکرز معتقدند شخص زمانی کج رفتاری را بر می گزیند که برای انجام چنین کاری در گذشته و شرایط مشابه تنبیه نشده و یا مورد تشویق هم قرار گرفته باشد با این که احتمال شکل گیری چنین شرایطی در آینده کج رفتاری را مطلوب جلوه می دهد . بدین ترتیب این دو نفر معتقدند صرف پیوند و معاشرت با کج رفتاران کسی را کج رفتار یا منحرف نمی کند . افراد در صورتی کج رفتاری را به همنوایی ترجیح خواهند داد که کج رفتاری برایش رضایت بخش تر و با صرفه تر از هم نوایی باشد .

**انتقادهای وارده بر نظریه یادگیری :**

1) تاکید بسیار بر یادگیری منفعلانه انسان در مواجهه با محیط یعنی هر آنچه محیط می دهد انسان دریافت کننده مفعول است و انتخاب و اراده ای ندارد .

2) مسئله انگیزه ارتکاب جرم در این نظریه چندان مورد توجه نیست .

3) از ابتدا کج رفتاری چگونه پدید آمده این نظریه توجهی ندارد .

4) در تبیین خشونت آنی توسط فردی که قبلاً سابقه حضور در میان مجرمان را نداشته این نظریه ضعف دارد .

5) نظریه ساترلند با یادگیری رویکردی ماشین انگارانه به کج رفتاری دارد و چنین می پندارد که تعامل با کج رفتاران شخص را به طور مکانیکی وادار به درگیر شدن در امور کج رفتارانه می کند با اتخاذ چنین دیدگاهی قابلیت تصمیم سازی و پذیرش نقش و اراده خود نادیده گرفته شده است .

**نظریه تقلید ( کابریل تارد ) :**

وی بر این باور است فرایند کسب رفتار بزهکارانه و مجرمانه از طریق تقلید که مبتنی بر تجربه های مشاهده ای است انجام می پذیرد وی در توسعه نظریه اش بین مد و آداب و رسوم تمایز قائل شده هر چند هر دوی آنها را از اشکال تقلید می داند ولی مد دارای ویژگی های تقلیدی است که در شهرها که از انبوه جمعیت برخوردار است و تماس ها بیشتر است رخ می دهد و رسوم در حوزه های کوچکی چون روستاها که تغییرات اجتماعی کمتر رخ می دهد جاری و ساری است . مد ممکن است یک رسم را ریشه کن کرده و رسم جدیدی را خلق کند . انسان ها به میزان تماسی که با هم دارند به همان نسبت از یکدیگر تقلید می کنند .

همانطور که بیماری های مسری از طریق هوا و باد منتقل می شود اعمال مجرمانه نیز از جنایت کاران حرفه ای و با سابقه به عنوان فرادست ( مرجع ) به افراد عادی که مستعد یادگیری هستند از طریق تقلید انتقال می یابد . نظریه تقلید تارد با نفوذ رسانه های تصویری و نقش های مجرمانه قهرمان این فیلمها و سریالها تقویت گشته .

## نظریه پنجره های شکسته (Broken Windows Theory):

نظریه پنجره های شکسته (1982) محصول فکری دو جرم شناس آمریکایی به نام های جیمز ویلسون و جورج کلینگ می باشد.

ویلسون و کلینگ استدلال کردند که جرم نتیجه یک نابسامانی است. به طور مثال، اگر پنجره ای شکسته باشد و مرمت نشود، آن فردی که تمایل به شکستن قانون و هنجارهای اجتماعی دارد، با مشاهده بی تفاوتی جامعه به این امر، دست به شکستن شیشه دیگری می زند و دیری نمی گذرد که شیشه های بیشتری می شکنند و این احساس آناشسی و هرج و مرج از خیابان به خیابان و از محله ای به محله دیگر می رود و با خود سیگنالی را به همراه دارد از این قرار که هر کاری را که بخواهید مجاز هستید انجام دهید بدون آنکه کسی مزاحم شما شود.

بر اساس این نظریه، چنانچه شهروندان یک جامعه و ضابطان نسبت به جرایم خفیف و انحرافات خرد با دیده چشم پوشی برخورد کنند، این امر در دراز مدت باعث می شود که در آن منطقه و محله بی نظمی به وجود آید و چنین تصور شود که آن محله یا گروه به گمان برخی از افراد صاحب ندارد که به انحرافات و کجروی ها پاسخ دهد.

از دل این بی نظمی ناشی از عدم برخورد با جرایم ساده و خفیف، جرایم بزرگ و شدید به وجود می آیند. بنابراین، جرم ناشی از تداوم بی نظمی است و برخورد قوی و قاطع و بدون چشم پوشی با جرایم ساده می تواند از بروز جرایم بزرگ تر جلوگیری کند. پیروان این نظریه چنین استدلال می کنند که کسانی که با پرسه زدن، استفاده از مواد مخدر، فعالیت در گروه های جنایی کوچک و نوشیدن علنی مشروبات الکلی نظم عمومی را مختل می کنند، کنترل آنها مؤثرترین راه برای کاهش بی نظمی اجتماعی است.

## نظریه کنترل اجتماعی (Social Control Theory):

کنترل اجتماعی به معنای کنترلی است که فراتر از خودکنترلی بر روی فرد اعمال می شود، خواه این کنترل از سوی خانواده، دوستان و خواه از محل کار و جامعه باشد.

این نظریه را تراویس هیرشی مطرح کرد و از آن پس نظریه ای غالب و مسلط در میان انواع نظریه های کنترل شد. او معتقد است که وقوع فعالیت های انحرافی نتیجه شکست پیوندهایی است که فرد را به جامعه می پیوندد.

وی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه علت هم نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن، دلیل اصلی کج رفتاری است و در این میان نهادهایی مثل خانواده، دوستان، همسایه ها و مدرسه نقش زیادی دارد.

هیرشی در نظریه خود با نام نظریه پیوند، پیدایش کج روی را معلول ضعف هم بستگی گروه ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می داند و چنین نتیجه می گیرد که جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی متقابل و قوی وجود داشته باشد بیش از جامعه یا گروهی که اعضای آن هم بستگی ندارند؛ قادر به اعمال و کنترل بر اعضای خود خواهد بود. او می گوید که هرچه هم بستگی بین جوانان، والدین و بزرگسالان استوارتر باشد، جوانان بیشتر به مدرسه و دیگر فعالیت های مقبول اجتماعی علاقه مند می شوند و هرچه بیشتر اعتقادات و جهان بینی

مرسوم و مطلوب محیط اجتماعی را قبول کنند و به آن معتقد باشند، کمتر کج‌رو و مجرم می‌شوند. وی چهار عامل را به‌عنوان عناصر پیونددهنده افراد به یکدیگر - چهار عامل کنترل‌کننده رفتار - معرفی می‌کند.

### **دل‌بستگی:**

به معنای میزان وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی است. به نظر او افراد فاقد این دل‌بستگی، نگرانند که مبدا روابط اجتماعی آنان به خطر بیفتد. بنابراین احتمال بیشتری دارد که به کج‌روی روی آورند.

### **تعهد:**

به معنای میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و احساس مسئولیتی است که فرد نسبت به جامعه در خود احساس می‌کند. فرد متعهد دلیل بیشتری دارد تا برای حفاظت از دست‌آوردهای خود با دیگران هم‌نوا باشد.

### **مشارکت:**

به معنی میزان درگیری و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است چراکه به نظر هیرشی کسانی که گرفتار کار و زندگی و سرگرمی هستند، فرصت کمتری برای درگیر شدن در فعالیت‌های کج روانه دارند.

### **باور:**

یعنی میزان اعتقاد فرد به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری به آن‌هاست چراکه افراد بی‌اعتقاد و بی‌وفا، نسبت به هنجارهای جامعه، تمایل کمتری دارند و بیشتر مرتکب کج روی شوند دل‌بستگی به ارتباط روان‌شناختی و هیجانی که فرد نسبت به فرد یا گروه‌های دیگر احساس می‌کند، اشاره دارد و موجب توجه به عقاید و احساسات فرد دیگر می‌شود. تعهد حاصل رویکرد هزینه - فایده به بزهکاری است و اشاره است به سرمایه‌های اندوخته در اصطلاح همنوایی (همچون زمان، پول، تلاش و جایگاه) در مقابل هزینه‌های برآوردشده یا ناهمنوایی. درگیری اشاره به مشارکت در فعالیت‌های متعارف و قانونی دارد. باورها شامل پذیرش نظام ارزشی متعارف است و مهم این که این چهار ارتباط مثبتی با هم دارند.

نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش‌فرض استوار است که اگر بخواهیم از تمایلات مجرمانه و بزهکاری جلوگیری کنیم، باید همه افراد جامعه چه جوان و چه بزرگسال را کنترل کنیم. کنترل اجتماعی، سازوکاری است که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می‌برد.

### **نظریه جان بریت ویت در خصوص کنترل اجتماعی**

کنترل از طریق شرمنده سازی صورت می‌گیرد و شرمنده سازی به دو صورت شرمنده سازی جدا کننده (مثل بد نام شدن مجازات، طرد شدن) و شرمنده سازی پیونده دهنده (مثل بخشش، گذشت، رفتارهای ترمیمی به قصد بازسازی رفتار) است. شرمنده سازی جدا کننده در یک جامعه سنتی و کوچک جاری است ولی شرمنده سازی پیوند دهنده در جوامع بزرگ جاری است.

در واقع شرمنده سازی پیوند دهنده نادیده گرفتن و فرصت دادن به متخلف به منظور بازسازی رفتار است.

نکته: شرمنده سازی نوعی کنترل اجتماعی به صورت غیررسمی می‌باشد.

## رویکرد کنترل‌های بازدارندگی مثل بازداشت ، زندان ، اعدام:

این رویکرد معتقد است که افراد فرصت داشته باشند شروع به کار خلاف و ناپه‌نچار انجام دهند . لذا برای جلوگیری از بروز این حرکات ناپه‌نچار باید عوامل از قبیل زندان ، بازداشت و ... باشد و برحسب شدت ، سرعت و قطعیت تعیین کننده می باشد.

این رویکرد را رویکرد نظامی گرایانه گویند که توأم با قوه قهریه می باشد و برخی معتقدند که این رویکرد عکس جواب می دهد .

## انتقادهای وارده بر نظریه کنترل اجتماعی :

1) برخلاف آنچه نظریه های کنترل اجتماعی فرض کرده اند انگیزه همه افراد جامعه برای ارتقاء کجرفتاری یکسان نیست .

2) نظریه های کنترل فرض کرده اند که نظام ارزشی مرکزی در جامعه وجود دارد که روشن می کند کدام رفتار کجرفتاری است و کدام یک کجرفتاری نیست در حالی که در جوامع متکثر و صنعتی امروزی نمی توان این فرضیه را پذیرفت .

3) نظریه شرمنده سازی توانایی تبیین کج رفتاری مجرمانه سابقه داری را ندارد .

4) بسیار دیده شده که هر چه شدت و قاطعیت اعمال مجازات بیشتر باشد تاثیر کمتری در کاهش جرم و جنایت داشته است .

## نظریه فشار ( آگ نیو) :

پنداشت مرکزی این نظریه آن است که رویدادهای منفی که در زندگی افراد رخ می دهد آنان را به سوی ارتکاب اعمال انحرافی سوق می دهد . برای نمونه بکار بردن اصول تربیتی توأم با خشونت توسط والدین یا روابط سوء در گروه هم سن و سالان یا قربانی شدن فرد در جرائم گوناگون سبب بروز احساسات منفی و روی آوردن فرد برای انجام اعمالی می گردد که در برخی شرایط مشخص این اعمال رفتارهای انحرافی را شامل می شود .

از دید آگ نیو فشار هنگامی پدید می آید که فرد با روابط یا رویدادهایی مواجه می شود که تمایل به آنها ندارد . برای مثال فرد در دستیابی به اهداف دارای ارزش مثبت ناکام می ماند و یا فرد محرک های ارزشمند مانند موقعیت تحصیلی و شغلی خود را از دست بدهد و یا آنها را در معرض نابودی احساس کند و یا فرد با محرک های دارای ارزش منفی مانند سوء استفاده جنسی یا تنبیه های کلامی ، زبانی و جسمی روبرو می شود و یا خطر مواجه با آنها را احساس می کند . مثال فرار دختران از منزل .

اما باید به این نکته توجه داشت که همه فشارها مرتکب به بزه نمی شود در برخی موارد فشار باعث بروز انواع گوناگون سازگارهای بدون انحرافی می شود به نظر آگ نیو فشار در صورتی منجر به انحراف می شود که دستیابی به سازگاری انحرافی مطلوب جلوه کند.

### انتقاد بر نظریه فشار :

- 1) نظریه فشار نظام ارزشی افراد در جوامع را یکسان پنداشتند .
- 2) نظریه فشار آرزوهای اقشار مختلف اجتماعی را یکی می داند .

### تئوری طرد اجتماعی : گیدنز - فلاتن

رویکرد اول : برچسب درآمد و مصرف تعریف می کند ، میزان دسترسی افراد به کالا و خدمات رفاهی ، بیمه ، بازنشستگی ، شغل ، در حقیقت عوامل مادی را تاثیر گذار می داند .

رویکرد دوم : طرد اجتماعی را باعث تضعیف پیوندهای اجتماعی ، نداشتن روابط اجتماعی ، گسست فرد از گروه می داند . علاوه بر منابع مادی ارتباط فرد با شبکه دوستان قطع می شود . شعاع طرد اجتماعی که به سه صورت عاطفی ، مادی و کاری میباشد.

طرد اجتماعی به محرومیت چند بعدی و طولانی مدت که شامل جدایی از جریان اصلی محیط اجتماعی ، فرهنگی و شغلی جامعه می شود اطلاق می شود . فرد به لحاظ اجتماعی مطرود است اگر به لحاظ جغرافیایی مقیم در یک جامعه باشد فرد موقعی که در فعالیت های نرمال شهروندان آن جامعه مشارکت نداشته باشد طرد شده است .

طرد اجتماعی پدیده ای چند وجهی است و فراتر از ابعاد مادی و کمبودهای اقتصادی دامنه متنوعی از محرومیت های اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی دلالت دارد . طرد اجتماعی مفهومی گسترده تر از فقر است یعنی نه فقط کمبود منابع مادی و فقدان دسترسی به کالاها و خدمات بلکه بر مسائل دیگری مانند طرد از امنیت حقوق شهروندی ، روابط ، شبکه های اجتماعی و ... را شامل می شود.

- 1) انفعالی : مثل رکود اقتصادی و افراد شغل خود را از دست می دهد .
- 2) شرمساری : مثل زنی که طلاق گرفته در مراسم های خویشاوندان شرکت نمی کند ( در مراسمات کمتر شرکت می کند )

3) دستاورد عاملان بیرونی : یعنی فرد از طرف اعضای گروه ، دوستان و همکاران و ... طرد می گردد.

### عواملی که زمینه ساز طرد اجتماعی است :

- 1) تبعیض قومی ، نژادی ، مذهبی و سیاسی
- 2) فقر و بیکاری
- 3) معلولیت

4) عدم ادغام هنجاری مثل معتاد ، سارق

5) فقدان مشارکت اجتماعی یا فقدان حقوق اجتماعی مثلاً جامعه به زنان حق رئیس جمهوری نداده

### ابعاد طرد اجتماعی :

- 1) مادی مثل محرومیت ، فقر
- 2) طرد از روابط اجتماعی مثل تنهایی ، احترام نگذاشتن همسایه ، بی اعتمادی ، عدم تعلقات .
- 3) طرد از فعالیت های مدنی مثل عدم مشارکت در مراسم مذهبی ، سیاسی ، انجمن های علمی .
- 4) طرد از خدمات رفاهی : مثل نداشتن آب ، برق ، گاز ، تلفن ، جاده مناسب.

### فقر قابلیت :

فقر قابلیت به مانند محرومیت از توان مندی هاست مثل فردی که ناتوان از حرکت جسمی است یعنی اینکه فرد از وضعیت فعلی نمی تواند عبور کند . طرد اجتماعی فرایندی نظام مند ، حاشیه کننده و منزوی کننده است که محرومیت های شدیدی را به دنبال دارد . فرد علاقه دارد با اعضای جامعه و گروه ارتباط برقرار کند ولی جامعه و گروه به او این فرصت را نمی دهد و فرصتی برای بهبود شرایط خود ندارد .

### پیامدهای طرد اجتماعی :

به عقیده گیدنز طرد اجتماعی می تواند افراد را به سمت محرومیت ها ، کج رفتاری ها و انحرافات اجتماعی دیگر سوق دهد . وقتی فرصت های موجود در زندگی برای فرد محدود می شود به عنوان مثال فرد طرد شده از موقعیت شغلی می تواند محرومیت های دیگر نظیر سوء تغذیه ، بی خانمانی را دچار گردد یا فرد اخراج شده از کار در اثر این محرومیت انحرافات دیگری را دچار شود مثل مصرف الکل .

طرد شدگی گسستگی فرد از روابط اجتماعی است . گسستگی در پیوند اجتماعی وقتی رخ می دهد که فرد از یکی از قلمروهای اجتماعی طرد بشود و روابطی که او را به دیگران متصل می کرد از دست می دهد از مجموع گفته های مذکور می توان نتیجه گرفت که طرد اجتماعی فرایندی چند بعدی ، پویا و مزمین است که در بستری از ویژگی های فردی مانند جنسیت ، فقر و ... افراد را گرفتار تبعیض و محرومیت چندگانه کرده و او را آسیب پذیر نموده و احتمال گرایش به رفتارهای پر خطر را در آنها افزایش می دهد .

جرائم سازمان یافته : جامعه شناسان جرائم سازمان یافته را نوعی اعمال غیرقانونی می دانند که غالباً منسجم ترین باندهای محرمانه آن را طراحی می کنند که این جرائم ممکن است با انگیزه های شخصی ، حرفه ای ، سازمانی و سیاسی صورت پذیرد .

جرائم سازمان یافته از قبیل : ترور ، فروش مواد مخدر ، جرائم یقه سفیدان ( رانت خواری ، اختلاس ، رشوه ) ، سوء استفاده از قوانین رسمی ، جعل اسناد و مدارک ، ساخت و تولید کالاهای غیراستاندارد و ...

## تعریف ساترلند از جرائم سازمان یافته :

ساترلند جرائم سازمان یافته را همبستگی گروهی از مجرمان برای اجرای یک نوعی از جرم تعریف کرده .  
جرائم سازمان یافته هم به لحاظ مادی و غیرمادی پرهزینه تر از جرائم معمولی است .

## جرائم ساخته سفیدی :

جرایمی که عمده به شکل سازمان یافته و بوسیله افراد با نفوذ و صاحب منصبان و برگزیدگان قدرت و یا یقه سفیدان در جرایم مشاغل شان ( مدیران ارشد ) با سوء استفاده از پست های سازمانی که اشغال نموده اند انجام می شود . رفتارهای انحرافی مانند اختلاس ، رشوه ، دستکاری اسناد ...

ساترلند در سال 1949 اصطلاح یقه سفیدان را برای اولین بار بکار برد این افراد که از اقشار نسبتاً مرفه جامعه بوده و دارای احترام و از موقعیت اجتماعی برخوردارند به شیوه های گوناگون و با استفاده از قدرت سازمانی و غیرسازمانی که دارند چنین جرایمی را مرتکب می شوند این نوع جرایم برای مرتکبان آن خطرپذیری کمتری و منفعت بیشتری همراه دارد .

## ویژگی های جرائم مالی یقه سفیدان :

- 1) جرائم یقه سفیدان کمتر برچسب جرم می خورد .
- 2) مرتکبان این نوع جرم کمتر از طرف قانون تهدید می شوند و برخورد سازمانهای نظارتی با آنان با بی توجهی و اغماض همراه است . جامعه نیز در برابر این نوع جرائم حساسیت کمتری داشته و واکنش جندانی از خود بروز نمی دهد .
- 3) میزان بالایی از این نوع جرایم کشف نمی شود و یا در صورت آشکار شدن چون مرتکبان آن غالباً از برگزیدگان قدرت می باشند موارد تخلفات آنها گزارش نمی شود . لذا به سختی می توان آمار واقعی جرائم یقه سفیدان را جمع آوری کرد .
- 4) تعدادی هم که کشف می شوند در جیران دادرسی قرار نمی گیرند و به عنوان جرم ثبت نمی شود .
- 5) اگرچه غالباً توده وسیعی از جامعه قربانیان واقعی این نوع جرایم هستند ولی احساسات جمعی خیلی جریحه دار نمی شود و اجماع عمومی برای توتوان زدایی از مجرمان وجود ندارد .
- 6) جرائم مالی یقه سفیدان نتیجه فعالیت یک طبقه ممتاز از جامعه است که از قدرت اقتصادی و اقتدار سیاسی و موقعیت اجتماعی بالایی قرار دارد و برای رفع اتهام قدرت دفاعی بسیار بالایی دارد .
- 7) جرائم مالی یقه سفیدان اگر چه در مقایسه با جرائمی نظیر قتل از خشونت کمتری برخوردار است ولی پیامدها و تبعات آن برای جامعه پرهزینه تر است .



## تقویت افتراقی (Differential reinforcement)

تقویت افتراقی عبارت است از کاربرد تقویت و خاموشی به منظور افزایش وقوع رفتار هدف مطلوب و کاهش وقوع رفتارهایی که در رفتار هدف تداخل ایجاد می کنند.

تقویت افتراقی شیوه ای رفتاری است که در آن تلاش می شود فراوانی رفتارهای مطلوب افزایش و فراوانی رفتارهای نامطلوب کاهش یابد. تقویت افتراقی روش موثری برای افزایش رفتار مطلوب است.

### کاربرد تقویت افتراقی

خانم ویلیامز مدت یکسال بود که در خانه ی سالمندان به سر می برد، اما این یک سال، از نظر پرستاران یک قرن به نظر می رسید. هر وقت خانم ویلیامز پرستاری را می دید، بلافاصله از وضعیت غذا، اتاقش، دیگر بیماران، سر و صدا، یا ورم مفاصلش شکایت می کرد. همیشه پرستاران مودبانه به صحبت های او گوش می کردند و زمانی که خانم ویلیامز شکایت می کرد، سعی می کردند او را دلداری دهند. پس از گذشت یک سال بر میزان شکایتهایش افزوده شد، تا جایی که دیگر به ندرت چیز مثبتی می گفت. خانم ویلیامز در بدو ورودش به خانه ی سالمندان حرفهای خوب زیاد می زد، از افراد تعریف و بندرت شکایت می کرد. پرستاران آرزو می کردند می توانستند سبب شوند تا خانم ویلیامز دوباره مانند سابق رفتار کند. در نتیجه با یک روان شناس رفتاری مشورت کردند.

روان شناس به پرستاران گفت که آنها با تغییر روش خود می توانند به خانم ویلیامز کمک کنند تا رفتارش را تغییر دهد. به پرستاران آموزش داده شد تا سه کار را انجام دهند.

اول، هر وقت که آنها خانم ویلیامز را می بینند، فوراً باید به او چیز مثبتی بگویند.

دوم، هر وقت که خانم ویلیامز چیز مثبتی می گوید، پرستار باید کاری را که در حال انجام دادن آن است متوقف کند، به خانم ویلیامز لبخند بزند و با خوشرویی به حرف او توجه نماید. تا وقتی که او حرف مثبت می زند، پرستار باید به حرف او گوش کند.

سوم، هر وقت که خانم ویلیامز شکایت کرد، پرستار عذرخواهی کند، اتاق را ترک کند یا مشغول کاری شود. به محض اینکه خانم ویلیامز از شکایت کردن منصرف شد و چیز مثبتی گفت، دوباره پرستار باید دست از کار کردن بکشد و به او توجه کند.

کلیه ی پرستاران به طور مداوم این برنامه را اجرا کردند. در طی چند هفته، خانم ویلیامز چیزهای مثبت بیشتری به پرستاران می گفت و بسیار کم شکایت می کرد. او شادتر به نظر می رسید و پرستاران دوباره از کار کردن با او لذت می برند.

شیوه ی رفتاری ای که پرستاران از آن استفاده کردند تا خانم ویلیامز حرفهای مثبت بیشتری بزند و کمتر شکایت کند تقویت افتراقی نامیده می شود.

روان شناس بعد از گوش کردن به پرستاران که مشکل و رفتار خانم ویلیامز را در دوره ای از زمان توضیح می دادند، به این فرضیه دست یافت که پرستاران رفتار شکایت کردن خانم ویلیامز را ندانسته تقویت می کنند. زمانی که خانم ویلیامز شکایت می کرد، آنها با نهایت توجه به او گوش می کردند، به او دلگرمی می دادند و زمان بیشتری را با او می گذراندند. روان شناس تصمیم گرفت، زمانی که خانم ویلیامز حرفهای مثبتی می زد، پرستاران بیشتر به او توجه کنند، تا این رفتار را به جای رفتار شکایت کردن در او تقویت کنند. خانم ویلیامز باید مطمئن شود زمانی که شکایت می کند پرستاران به او توجه نمی کنند.

همانطور که ملاحظه می کنید، پرستاران تقویت (Reinforcement) و خاموشی (Extinction)، دو اصل مرتبط با تقویت افتراقی را به کار بستند.

### چگونه از تقویت افتراقی استفاده کنیم؟

1) رفتار مطلوب را تعریف کنید: شما باید به روشنی رفتار مطلوبی را که قصد دارید تا با استفاده از تقویت افتراقی افزایش دهید، شناسایی و تعریف کنید. تعریف واضح از رفتار مطلوب، به شما کمک می کند تا مطمئن شوید که رفتار به درستی تقویت شده است.

2) رفتارهای نامطلوب را تعریف کنید: شما باید به روشنی رفتارهای نامطلوبی را که قصد دارید با استفاده از تقویت افتراقی کاهش دهید تعریف کنید. تعریف واضح رفتارهای نامطلوب به شما کمک می کند تا هنگام وقوع رفتار نامطلوب از تقویت استفاده نکنید.

3) تقویت کننده را شناسایی کنید: از آنجا که ممکن است در مورد افراد مختلف تقویت کننده متفاوت باشد، تعیین تقویت کننده ویژه برای شخصی که با او کار می کنید، اهمیت دارد. (تقویت کننده ها مثل: توجه کردن، پول، تشویق، بازی، دادن خوراکی، دادن اسباب بازی، دادن غذا)

4) رفتار مطلوب را بلافاصله و پیوسته تقویت کنید: اگر قصد دارید رفتاری را افزایش دهید، تقویت آن بلافاصله بعد از وقوع با اهمیت است. به همین نحو، تاخیر در تقویت رفتار مطلوب، از تاثیر تقویت افتراقی می کاهد. بعلاوه رفتار مطلوب را هر بار پس از وقوع باید تقویت کرد.

5) تقویت را از رفتارهای نامطلوب حذف کنید: اگر قرار است تقویت افتراقی موثر افتد، شما باید تقویت کننده ی رفتارهای نامطلوب را شناسایی و آن را حذف کنید. اگر تقویت کننده را نمی توان به طور کامل حذف کرد، دست کم باید آن را کاهش داد تا تفاوت بین تقویت کننده ی رفتارهای مطلوب و نامطلوب افزایش یابد.

6) از تقویت متناوب برای حفظ رفتار هدف استفاده کنید: از تقویت مستمر در مورد رفتار هدف در مراحل اولیه ی تقویت افتراقی استفاده می شود. به هر حال، وقتی که رفتار مطلوب پیوسته و رفتارهای نامطلوب بندرت رخ می دهند، باید برنامه ی تقویت را کاهش دهید و رفتار مطلوب را به گونه ی متناوب تقویت نمایید.

7) در مورد تعمیم برنامه تهیه کنید: تعمیم به این معناست که رفتار هدف باید خارج از موقعیت آموزش، در کلیه ی موقعیتهای محرک مربوط رخ می دهد.